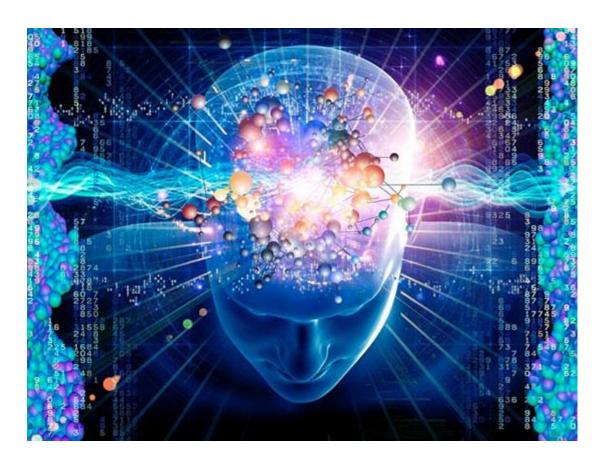
مسیر شغلی(کارراه شغلی) جلسه ۱



هوش

هوش به عنوان یک توانایی شناختی در سال ۱۹۰۵ میلادی توسط آلفرد بینه و تئودور سیمون مطرح شد. با وجودی که درخصوص این پدیده بررسیهای متعددی انجام گرفته و نظریههای متفاوتی ارایه شده اما هنوز صاحبنظران به همسویی کلی در مورد ابعاد گوناگون هوش دست نیافتهاند. هوش همواره یک بار مثبت همراه دارد. افراد دوست دارند باهوش باشند و این موضوع به آنها عزت نفس و احساس خودکارآمدی میدهد.

انواع هوش اشاره به آن دارد که انسان و پدیدههای هوشمند می توانند از طیف متعددی از توانمندیهای هوشی بهره گیرند. نخستین بار هاوارد گاردنر به طبقهبندی انواع هوش پرداخت. از آن زمان تاکنون به شیوههای متعددی به دستهبندی هوش پرداخته شده است و وحدت نظر کاملی در این زمینه وجود ندارد.

بیشتر افراد تصور می کنند که هوش زیاد به معنی داشتن مهارتها و اطلاعات بسیار زیاد و استفاده صحیح از این اطلاعات است. البته این تصور تا حدی صحیح میباشد. در واقع تعریف فوق امروزه در ارزیابی مفهوم هوش بسیار استفاده میشود. به طور سنتی تصور عوام بر آن است که افرادی که مهارت ریاضی بالایی دارند افراد باهوش تری هستند. اما این موضوع اکنون به صورت جدی به چالش کشیده شده است. هوش عقلانی یا ضریب هوشی تنها یکی از انواع هوش در انسانها است. افراد میتوانند از توانایی هوشی متعدد دیگری برخوردار باشند.

نظريه هوش چندگانه گاردنر

نظریه هوش چندگانه گاردنر مشهورترین نظریه در دستهبندی انواع هوش میباشد. هاوارد گاردنر یک روانشناس آمریکایی است که در سال ۱۹۸۳ نظریه هوشهای چندگانه را ارائه داد. طبق نظریه گاردنر هوشمند بودن چیزی فراتر از داشتن مهارت زبانی یا مهارت حل مساله ریاضی است.

گاردنر معتقد است ما انسان ها همگی از نظر هوش و توانایی کاربرد هوشهای چند گانه تفاوت داریم. چون از توانایی و پتانسیل ذهنی و هوشی متفاوتی برخورداریم. نظریه هوش چندگانه هاوارد گاردنر شامل موارد زیر است:

- هوش کلامی: توانایی تفکر کلامی و استفاده از زبان برای بیان منظورها
 - ، هوش منطقی ریاضی: توانایی انجام عملیات ریاضی
 - هوش فضایی: توانایی تفکر سه بعدی
 - هوش بدنی -جنبشی: توانایی دستکاری اشیا و تبحر جسمی
- هوش موسیقیایی: حساس بودن نسبت به زیر و بم آهنگ، ریتم و تن صدا
 - هوش بین فردی: توانایی درک دیگران و تعامل موثر با آنها
 - هوش درون فردی: توانایی فهم خود
- هوش طبیعی: مشاهده الگوهای طبیعت و فهم نظام های طبیعی و مصنوعی ساخت انسان

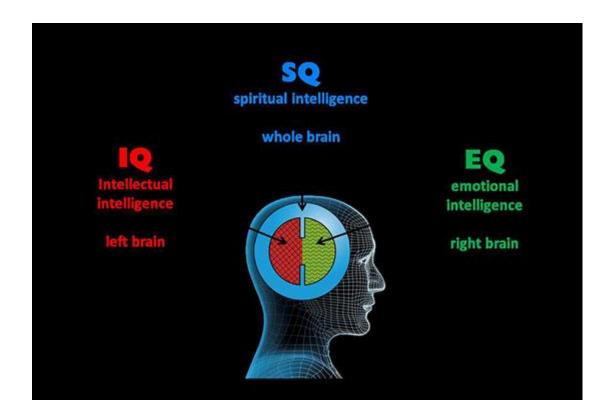
انواع چهارگانه هوش

در یک دستهبندی پذیرفته شده دیگر چهار نوع هوش در نظر گرفته شده است. براساس این نظریه انسان از چند نوع هوش به صورت همزمان برخوردار است. این دستهبندی با هوش جسمی که شامل آگاهی جسمی و نحوه استفاده ماهرانه از آن است، آغاز می شود. هوش بعدی هوش منطقی یا عقلانی است. هوش منطقی در حال حاضر بیش از سایر هوش ها در سیستم های آموزشی مورد توجه قرار می گیرد. پس از هوش منطقی یا عقلانی سطح دیگری است که به هوش هیجانی اختصاص دارد. آخرین لایه هوش معنوی است. هوش معنوی هدایت و معرفت درونی، حفظ تعادل فکری، آرامش درونی و بیرونی و عملکرد همراه با بصیرت، ملایمت و مهربانی را شامل میشود.

- : Physical Intelligence, PI هوش جسماني
- هوش عقلانی Intellectual Intelligence, II
- : Emotional Intelligence, EI هوش هيجاني
 - : Spiritual Intelligence, SI هوش معنوی



طبقهبندی انواع هوش؛ گردآوری: پایگاه علمی-پژوهشی پارس مدیر



نظریه هوش سه گانه دانا زوهار و یان مارشال QUOTIENT

این هوشها با هوش جسمانی (PQ) یعنی توانایی کنترل ماهرانه بدن و استفاده از اشیا آغاز میشوند و بر اساس سیستمهای عصبی مغز مشخص می گردند. زوهار و مارشال معتقدند هوشهای دیگر زیرمجموعههای این سه هوش هستند.

هوش جسمی :(PQ) این هوش مربوط به مهارتهای انسان در بهرهگیری از اندامهای جسمی خود است. اولین و پایهای ترین سطح هوش میباشد که بقای هر پدیده هوشمندی منوط به آن است.

هوش عقلانی :(IQ) این هوش مربوط به مهارت های منطقی و زبانشناسی ما است. در حال حاضر بیش از سایر هوش ها به عنوان ملاک موفقیت آموزشی محسوب می شود و مناسب حل مساله ریاضی و منطقی است.

هوش عاطفی یا هیجانی :(EQ) به افراد کمک می کند عواطف خود و دیگران را مدیریت کنند. این هوش در موفقیت حرفه ای و شخصی فرد بسیار موثر است و آنها را در برقراری ارتباط یاری می دهد و تا حدی از قابلیت پیشگویی نیز برخوردار است.

هوش معنوی :(SQ) این هوش برخلاف هوش عقلانی که کامپیوترها هم از آن بهره مندند و نیز هوش عاطفی که در برخی از پستانداران رده بالا دیده می شود، خاص انسان است. زوهار و مارشال هوش معنوی را یک بعد جدید از هوش انسانی معرفی کردند و به نظر آنها هوشنهایی است و برای حل مسائل مفهومی و ارزشی استفاده می شود.